

سال 2010، سال سخت پاپ



«سال 2010 سالی سخت برای پاپ بود، چرا که کلیسا به عنوان یک نهاد نتوانست اهداف خود را عملی کند. علاوه بر این پاپ بندیکت شانزدهم نیز بسیار دیر و ناکافی به رسوایی‌هایی که کلیسا با آن درگیر شد، پاسخ داد.»

جام جم آنلاین: « سال 2010 سالی سخت برای پاپ بود، چرا که کلیسا به عنوان یک نهاد نتوانست اهداف خود را عملی کند. علاوه بر این پاپ بندیکت شانزدهم نیز بسیار دیر و ناکافی به رسوایی‌هایی که کلیسا با آن درگیر شد، پاسخ داد.» به گزارش ایسنا، سایت اینترنتی فرانکفورتر آگماینه آلمان در تحلیلی در این زمینه نوشته است: « شدت مسائل پیش آمده در سال 2010 برای کلیسا به حدی بود که حتی سخنان پاپ در ابتدای شروع سال جدید نیز نتوانست تأثیر چندانی روی جو موجود بگذارد.

پاپ بندیکت شانزدهم، رهبر کاتولیک‌های جهان، در کتاب خود از وضعیت کلیسا و رسوایی‌هایی که بار آمده در آن در سال گذشته تحت عنوان "ابراهیم کثیف" یاد کرد که از یک کوه آتشفشان برمی‌خیزند و همه جا را تیره و تاریک می‌کنند.

تعبیر پاپ از وقایعی که کلیسا با آن درگیر بود درحالی مطرح می‌شود که شاید بتوان سیاه و کثیف‌ترین ابري را که پاپ از آن یاد کرد، اعترافات رییس یک دبیرستان کاتولیک‌ها دانست.

رییس کاتولیک این دبیرستان مذهبی در اوایل سال 2010 فاش ساخت که مقامات مذهبی کلیسا در دهه 70 و 80 از افراد تحت حمایت خود سوء استفاده جنسی می‌کرده‌اند.

اظهارات این مقام کلیسا زمینه ساز افشاگرایی‌های گسترده دیگری شد؛ به گونه‌ای که با انتشار اخبار مربوط به این رسوایی‌ها صدها تن از قربانیان چنین پرونده‌هایی شهادت یافتند تا آشکارا و به وضوح از آزار و اذیت‌هایی که طی این مدت مجبور به تحمل آن بوده‌اند، سخن بگویند.

کلیسای مرکزی کاتولیک‌ها نیز در واکنش به حوادث اخیر تنها به کار همیشگی خود یعنی سکوت بسنده کرد. این کلیسا انتقاد و رسوایی‌های رو به رشد علیه کلیسا را تنها تبلیغاتی منفی و کثیف از سوی رسانه‌ها دانست.

درحالی که خشم و عصبانیت از این رسوایی‌ها به ویژه در آلمان افزوده می‌شد، روز به روز بر تعداد افرادی که از کلیسای کاتولیک روی گردان می‌شدند افزوده می‌شد. آن چه که به ویژه خشم و افت جایگاه کلیسای کاتولیک را در پی داشت، افشای این واقعیات بود که با وجود وضع قوانین جدید در سال 2002 با هدف مواجهه با موارد سوء استفاده، کلیسای مرکزی کاتولیک حتی با وجود اطلاع داشتن از سوء استفاده‌های اخلاقی در برابر موارد مذکور سکوت و حتی در برخی موارد اقدام به مخفی‌کاری می‌کرد.

حتی خود پاپ نیز مظنون و متهم به این مساله بود که با علم به اقدامات خلاف اخلاق برخی از اسقف‌ها نه تنها اقدام به سلب مسئولیت از آن‌ها نکرده است، بلکه برای جلوگیری از وقوع مشکلات بیشتر اقدام به تغییر محل حضور اسقف مورد نظر کرده است.

در هر صورت مطمئناً پاپ نیز ابعاد بحران کلیسا در سال 2010 را به درستی درک نکرد و البته جای تردیدی وجود ندارد که وی عمیقاً از اشتباهات مقام‌های مذهبی کلیسا متأثر شد؛ به گونه‌ای که وی با چشمانی اشک آلود با قربانیان در مالت دیدار کرد.

با این حال عذر خواهی وی از عموم مردم بسیار با تاخیر صورت گرفت و بسیار دیر. وی اعتراف کرد که کلیسا نیز به عنوان یک نهاد از رسیدن به اهداف خود بازمانده است.

پاپ در سخنان خود که به مناسب تعطیلات قبل از سال نو میلادی عنوان شد، در ارتباط با سالی که بر کلیسا گذشت، گفت: اکنون باید از خود سوال کنیم که چه کاری می‌توان انجام داد تا بتوان اقدامات نادرست صورت گرفته را جبران کرد.

وی همچنین عنوان داشت که کلیسا باید هرآنچه را که در توان دارد انجام دهد تا از وقوع چنین مواردی جلوگیری کند، چرا که جهانیان و به ویژه خانواده‌های قربانیان منتظر تحقق چنین مساله‌ای هستند.»